

انکار

هر روز یکشنبه و چهارشنبه به پشتونفاری نشر
میشود

ناشر: امتیاز و مدیریت مسئول : فیض محمد "انگار"
آدرس: دفتر خرید : جاده ۶ میوند اپارتمان ۴۲
نمبر تیلیفون : آدرس تلگرافی : انگار
تا سپتامبر ۱۳۲۹ حوت

شماره سوم

سال اول

چهارشنبه ۱۶ حوت ۱۳۲۹

بقلم احمد علی کهزاد

بقلم نور محمد توهکی

افکار اصلاحی

میگویند!

جای مسرت است که با لایحه جریده به تمام معنی ملی بدست فردی از افراد این مملکت نشر شده انگار طلیعه مطبوعات ملی است - مطبوعاتیکه وجود آن رکنی از ارکان دیموکراسی را در کشور بیشتر تمویت خواهد نمود . چون در حکومت ملی مطبوعات یکی از پایه های مشروطیت است بدون وجود جرایدی که مظهر اراده مردم باشد حکومت ملی صدای حقیقی پیدا نمیکند ازین جهت حکومت ملی و مطبوعات ملی لازم و ملزوم یکدیگر اند و هر قدر که مطبوعات ملی آزاد و پخته و متین و نماینده صحیح افکار عامه باشد صدر خد ماست بهتر تروی در راه ایفا وظایف جامعه و رشد حکومت ملی شده میتواند .

برای ترقی و پیشرفت امور اجتماعی و بلند بردن سوره حیاتی هر ملت و سایل و ذرایع مختلف و متنوع بکار است که یکی از آنجمله چه گرفتن عامه مردم در امور سیاسی - اقتصادی و اجتماعی شان میباشد . قوت تمام مردم و ساکنین مملکت که بشکل متحد یعنی حزب و یا احزاب مشروع تبارز کرده باشد میتواند هر گونه مقصد ملی و عالی را در کمتر سن فرصت و عالیتریس وجه انجام دهند . چیزهای جزئی را تعداد جزئی اشخاص میتوانند بسر رسانند اما کارهای مهم ملی و حیاتی را بدون کمک تمام ملت نمیتوان انجام داد . اشتراك عامه در امور حیاتی شان در ممالک پسمانده بدو صورت ممکن شده میتواند یکی اینکه از جانب زمامداران و مشران دولت با آنها

شبهه نیست که در میان طبقات جامعه لله الحمد - افکار اصلاحی پیدا شده این افکار اگر مجرای صحیح پیدا نکند یا راكد میماند و یا از حرکت تا درست آن تشقت تولید میشود پس برای جلوگیری از رکود و تشقت فکری بهتر است مجرای پیدا شود و خوشبختانه در حال حاضر افکار اصلاحی هوا خواهان سعادت قوم و اعتلای کشور در مجاری بکار افتاده که از نتایج آن همگان برخوردار خواهیم شد . حالا وظیفه عظیمه روشنفکر جامعه است که نظریات اصلاحی خودشان را نه از روی خیال و احساسات بلکه باساس برهان و استدلال با مراعات نزاکت و وقت و عفت قلم کمبیزه نویسنده گان بپوشانند و بپوشانند و بپوشانند - باشند که با حسن نیت مطبوعات ملی راه مفاهم را در حل مشکلات باز خواهد کرد - انشاء اله تعالی .

موقع چنین عملی بدل قراخ داده شود و حتی درین راه تشویق و تحریک شوند و هر گونه وسایلی تسهیل برایشان فراهم گردد تا آنها بذریعه احزاب و ملن خواه که آله دست دیگران نباشند بتدریج ولی بیهمه اینکار دلچسبی و علاقه قلبی بگیرند و تربیه حاصل کنند و از طرف دیگر وظیفه عامه است که بشوق و اصرار هر چه تمامتری با امور اجتماعی خود علاقه بگیرند و خود را مسئول امور کلی و جزئی مملکتی بدانند و مسئولیت های بزرگ ملی خود را دوش اشخاص انگشت شمار که وجود آنها برای رهنمائی عامه غنیمت بوده و در زیر بار سنگین مسئولیت های بزرگ ملی بالاخره ضایع خواهند شد نگذارند بقیه در صفحه ۴

نویسنده عبدالحمید مخمور

احتیاج شدید ملت

قبل از خاتمه دو مین جنگ آخرین ملجا تمام
مفخرات و میاهات ملل مشرق ملتی بود که آنرا
جا پان میگفتند هر گاه درین بر اعظم آسیا قومی
میخواست که بمقابل اقوام غرب اثبات زندگانی
را ادا کند نام جا پان را بصورت مثال بر زبان
میاورد ولی اختراع اتوم و استعمال آن در روسیما
جا پان را از پا در آورد و این ملت بیدار و زحمتکش را
بتسلیم بلا شرط مجبور کرد لیکن دانشمندان امریکا
در صد حل این عقده برآمدند که علل اینهمه ترقیات
جا پان چه بود و این ملت چرا به نسبت سایر ملل شرقی برستی این افسانه خود ستایی را این عادت عیب ریشی
پیشرفت کرد - بعد از دو سال راپورت های مختلف در
این باره از طرف آنها ترتیب شد اکادمی علوم امریکا این
راپورتها را بدو کتور سندر لند سپرد تا آنها تلخیص
نماید در کتور موصوف آنرا بجمله ذیل خلاص نموده
" ملت جا پانرا باید ملت جراید و مطبوعات نامید
مطبوعات بیشمار این مملکت ملت را بدوق مطالبه
عادی ساختی و همین ذوق علت حقیقی تمام ترقیات
جا پان میباشد " جمله فوق افکار برادر اعماق
صفحات تاریخ افغانستان فرورود روزگاری بود که
شوق مطالعه درین سرزمین عمومیت داشت مولانا
بلخی و این سینا و سنائی افراد همین ملت بودند که
سنائی و دیگران در همین رکن زندگانی داشتند
ذوق مطالعه و شوق تحقیق شان تا امروز خوب المثل
است ولی بد بختانه ما افغانهای امروز نمیخواهیم
که باین نکته مهم و حقیقت روشن متوجه شویم برای
تسکین جذبات خود پسندی و فخر ما همین بس است که
اسلاف نامور ما این قرض کفایه را ادا کرده و نسلهای
اینده را ازین بار سبکدوش ساختند درین جهان عادت
است که اخلاف نا لایق باغ بیکمالی خویش را همیشه
بدامن کما لایت اسلاف خود میپوشانند و ما افغانها

هم ازین کلیه مستثنی نمائیم مگر باید دانست که
جهالت تا زمانیکه جهالت است قابل علاج بوده ولی
هنگامیکه صورت جهل مرکب را بخود بگیرد یعنی انسان
جهالت خود را محسوس نکند در ان موقع این درد را دور
نمیباشد ما دیدیم که درین عرصه اضافه از نصف قرن
ملت افغان را کسی بمعایب آن متوجه نساخت - از ذکر
عیوب و چاره های اساسی آن همیشه چشم پوشیدیم تنقید
را ولو که بجایم میبود گناه کبیره تصور کردیم و ملت
را بشهامت و غیرت اسلاف متوجه گذاشته و بافکارشان
چنین تریق نمودیم که ملت افغان چون اسلاف خویش
همیشه ملل بزرگ جهان بوده و محتاج به هیچ مساعدی نیست
ولی بکمال ادب میتوان عرض کرد که این داستان اسلاف
خود ستایی را این افسانه خود ستایی را این عادت عیب ریشی
از تنقید از عرصه نصف قرن بیشتر است که تکرار
این تعقیب این سیاست آیات
در هوای عمل ملت افغان کدام جنبش و حرکت تولید
شده است؟ نه خیر بلکه امروز بهتر صورت و یا س
مقابل ما است و دلیل آنهم همین حقیقت است که تملق
و عیب پوشی به نسبت افراد بحق جا همه بیشتر ضرر بلکه
مهلك است اساس ترقیات هر ملت در علوم و فنون
و تمدن و طبیعت آن پنهان میباشد و اینرا میتوان
ریشه های درخت ملت دانست اگر آب ترسد درخت خشك
خواهد شد و وسیله آبیاری این شجر جراید و مطبوعات
ملی است تاریخ شاهد است که ترقی و تنزل حیات
اجتماعی بر ترقی و تنزل قوم منحصر است - تا بلرون
شخصیتی نبود که مقام شایانی حاصل کرد بلکه جراید فرانسه
بود که در افکار ملت حس اعتلاء را تولید نمود و -
تا پلیون را بوجود آورد - من بدون اینکه راجع بنشر
قانون مطبوعات اظهار نظر نمایم این قانون را که از همه
اول انگار را از زیر خاکستر کشید آغاز یک عصر جدید
میدانم بعقیده من نفوذ این قانون ما را موقع میدهد
و بمعقب نظر اندازیم و ببینیم که سیاست مطبوعاتی و طرز
بقیه در صفحه (۳)

بقیه شماره دوم

نویسنده - و - ادیبی

نامه دوستانه

نویسنده هیچگاه مرتجع نشود

انگار عزیزم !

خوب است دیگر قبل از مودن بر ایما کفن درست نکنند و بگذارند وقتی واقعاً مردیم آنگاه اگر حفر د خمه را نیز فرمایش میدهند جا خواهد داشت .

نسیم بر لطف بهاری که درین روزها بمذخور تنمیده نباتات و احیای خا طرات افسرده در ورزش است و نسخه از نشریه بسیار مفید انتقادی و سراپا خواندنی شما را باین رهگذر بینوای تان نیز رساند - جرقه های امید بخش آن که از خلال خاکستر مصون و مشهود است دل محنت زده و پژمرده مرا که تند باد های حوادث حرارت و گرمی در آن باقی نمانده بود گرم و متصلی ساخت .

باید متذکر شویم که منظور ما هم این نیست که نویسنده با قلم اغراض بیموجب بنای فحاشی را بگذارد - اما اینرا نیز از زوئادیم که قلم انتقاد خود را در لقا قه مجامله بیجا نیده و حقیقت را منحرف جلوه بدهد بلکه خوب است حق مجرم را برابر بجرمش بدون کم و کاست و ترمس و بیم کف دستش گذاشته و محلتوی ضمیر خود را به حضور روی جریده بریزد اگر نویسنده مرتجع و مغرض نباشد و خطایا را مطابق نعل بالنعل بیان کند و اقلاً نوشته های او ارزش خواندن را خواهد داشت و الا در عکس آن نا زیبا و بی عرضه بوده مقاله اش را بخردلی نخواهند خرید .

نشریه کوچک شما که میخواهد قدمهای اولیه اش را بردارد البته در دلهای گرم اغنیا دلهای کسرت غرور و کامرانی هستند مشکل است جای پیدا بکند - چه این گلستانها از خار انگار شما افسرده شده و آزار می بینند اما در دلهای سرد شده همین جرقه های کوچک هم غنیمت بزرگی است - امروز که شما این اشعه بظاهر

راستی از زبان یک جنبه اشخاص دیگر میشنویم که میگویند برای توده ما آزادی مطبوعات و نامه های ملی چندان بدو نمیخورد - اول دیگر چیزهای خود را اصلاح نمائیم باز دست باینکارها بزنیم - با تاسف بحال اینگونه خیر خواهان باید گریست و لایم است بآنها واضح نمود که آزادی و حقیقت گوئی مطبوعات است که اولتیر برای اصلاح (دیگر چیزهای ما) بکار می آید نه عکس آن . یعنی بس از آزادی قلم (البته در چوکات نزاکت آن) میتوانیم امید اصلاحات را در سر پیوروانیم تا دنیا دنیا است همان آتش خواهد بود و همان کاسه .

نا چیز و معنا قوی را از اغرق آرزوهای ملی طالع کا خسته اید امید واری زیادی برای من و امثال من تولید کرده که شاید روزی این ستاره کوچک برای تشریف قاطبه ملت پسمانده ما بخورشید تا بناکی تبدیل شکل نماید و این خورشید باخگر سوزان و حرارت بخشای میدل گردد - تهنانی صمیمانه ام را در نشر موفقانه شماره اول و دوم انگار بپذیرید و سعی باشید که این یگانگانه مایه تسلی دلهای مستمندان بیشتر از بیشتر محبوب و نافع و بلفظ الهی پایدار بماند .

ارادتمند شما (رهگذر)

بقیه صفحه ۲

اشتراک

کابل : ۳۶ افغانی سالانه
ولایات : ۴۰ دد
خارج : ۴ دالر دد
قیمت یک شماره ۵۰ پول

تبلیغ و نشریات ما تا امروز چه بود؟ چه باید میبود؟ و اکنون چگونه باید باشد؟ آیا نویسندگان و بزرگان و مخصوصاً ریاست مطبوعات برای این احتیاج شدید ملت اندکی غور خواهند کرد؟

راغلی لیک

شاغلی اشکاره !

د دیر وخته څخه رابدي خواد دی مملکت ویش خلمیان
 او منور اشخاص ملی مطبوعاتو ته دیر تزی وو... موژ
 بهد زمانی دا احسان ته چه تر تولو بی اول دمطبوعا تو
 آزادی تحفه راوړه د دیر قدر په سترگه وگورو او هیچ به
 بی هیر نه کړو دستا د انکار ملی جریدی د چهار شنبی
 د ورځی د حوت ۹ نیټی لمړی گڼه می د یوه فاضل دوست
 څخه چه واخیسته - د هغه ځای څخه خوزیدلی نه وم چه د
 جریدی ټول مضمونونه می ولوستل زه بی دیر خوشحال
 او امید وار کهم خدای حاضر دی چه د (چه میخواستیم او
 د تمت افکار) تر عنوان لاندی مضمونونه چه د یرو واضح
 لیکلی شوی و زیت دیر می خوش شول دی گڼی کی تنها
 په یوه نقطه کښی زه د رجب څخه خواشیني یم باید چه دخپل
 ملگری د دی جملی په جواب چه (مریج و زردچویه که هم -
 رواج دارد وهم منع شده) باید رجب خان پوست کتمده
 ورته وایلی وای چه (کسانیکه ورود این چیزها را -
 ممنوع قرار داده است شوروا نمیخورند تمام عمر چلو و
 پلو میخورند با مریج و زرد چوبه چندان کار ندارند) -
 خیر دا هم چندان بی د رجب خان د فکر په نقص د لالت
 نشی کولای ځکه چه رجب د دنیا سړی - تودی لیدلسی
 دی ممکن دی څه به بی په نظر کشی نیولی وی - لنده بی
 دا چه دی جریدی ته یوازی زه بلکه نور دیر ملگری بی
 تر تاثیر لاندی ونیول او مضامینو بی دیر ملاحظه کړل
 او هغو ملگرو ته مکلف کهم چه زه تا مو ته وکالتا تبریک
 ووایم او دا د فارسی ضرب المثلونه چه (سالیکه نکوست
 از بهارش پیدا است - یا مشت نمونه خروار) تکرار کرم
 وروږه پام لره که تاته کوم غنډ یا مشکلات په لار
 کی پیدا شی بیحوصله کیزه مه ما خوب لیدلی چه ته
 کا میا بیزی . (غفتلی)

آمدگ

صدیقوال

له دا بله سره

من به تفره پیری تمناوه له دا بله سره
 و او اجازه توره بازاره له دا بله سره
 هر یو دکان گوټی بی نرخ یو پریل ندی خبر
 ولی بیفکره نرخ گذاره له دا بله سره
 مرزا کنترول صاحب قصابستانرختنامه نه منی
 د قلمدان زور گناه گاره له دا بله سره
 تیمت فرو شه در خبر یم چه دندی هم وهی
 متقلبه دکانداره له دا بله سره
 ته پر یتیم خوردی به پاوسانتی په متر گڼی
 خباز بزاز ابن سیمساره له دا بله سره
 ته گوزیان لیکي مریض ته سم الفارورکوی
 حاذق الملك لپونده عطاره له دا بله سره
 گرین که مشال شی درنه پام کړه چه پوندی نکری
 دواتله استا بیطاره له دا بله سره
 پلوری مشال حسابد گڼی په خروار سنجوی
 د لیسرین مقاله داره له دا بله سره
 ته ملیونر په کوم هنر شوی ؟ زه بوموندیم پخته ؟
 و او انصاف سرمايه داره له دا بله سره
 علاف للمی وری خو مامور ته گدوله ورکوی
 کور د خراب شه گدامداره له دا بله سره

بقیه میگویند

وهم همیشه اساسهای دیموکراسی و حکومت های محبوب
 القلوب مشروطه شاهی جای امیدوار است که شوگان و
 زمامداران مشروع به بیدار ساختن سیاسی مردم خویش
 نموده توسط اجازه دادن صدای عامه یکی از ارکان مهم
 مشروطیت را تشویه نمودند مثلاً مطبوعات رادر چوکات
 معین آزاد ساختند. بیگارو خدمات اجباری را عملاً ممنوع
 قرار دادند و غیره . اکنون وظیفه عامه است تا از زوهار
 خود را ذریعه مطبوعات ملی آزادانه انعکاس دهند .